

# بررسی ابعاد حیات در طول زندگی جنینی و نقش آنها در دیه

□ دکتر سید ابوالقاسم حسینی  
□ استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد

## چکیده

در متون فقهی مفهومی با عنوان «ولوج روح» در جنین مطرح شده است و آن را معیار پرداخت دیه در مراحل مختلف جنینی دانسته‌اند. این مفهوم برای اکثر افراد این برداشت را ایجاد می‌کند که تا چهار ماهگی در جنین، روح وجود ندارد و از این زمان در آن به وجود می‌آید. بر اساس متون اسلامی و واقعیت‌های جنین‌شناسی، در تمام مراحل زندگی جنینی، حیات وجود دارد. در چهار ماهگی و بعد از کامل شدن قلب و مغز، پدیده جدیدی ظهور می‌یابد که در متون اسلامی «روح العقل» نامیده شده است که با پیدایش آن، جنین، کامل می‌گردد و در صورتی که توسط کسی سقط شود، باید دیه کامل پرداخت کند.

این مقاله وجهه همت خود را بررسی این موضوع قرار داده است.  
واژگان کلیدی: روح العقل، روح الحیات، جنین، دیه، ولوج.

## مقدمه

بر اساس متون اسلامی و یافته‌های جدید علمی، جنین در تمام مراحل تکامل خود دارای حیات است و به کار بردن تعبیر ولوج روح این شبهه را ایجاد می‌کند که جنین تا آن زمان فاقد حیات است. از این رو، به منظور پیش‌گیری از هرگونه سوء تفاهم، پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد:

۱. به جای کاربرد عبارت «ولوج روح»، عنوان «ولوج روح العقل» مطرح شود.
  ۲. به جای کاربرد عنوان «ولوج روح العقل» عنوان «انشاء روح العقل» که به معنای «نوعی آفرینش» می‌باشد، به کار رود.
- در هر دو صورت، کاربرد عنوان «روح العقل» بعد از کلمات «ولوج» و «انشاء» الزامی می‌باشد؛ زیرا عدم استفاده از عنوان «روح العقل»، ممکن است این برداشت را ایجاد کند که برای نخستین بار، روح در جنین به وجود می‌آید.
- در آیات ۱۲-۱۴ سوره مؤمنون به مراحل مختلف زندگی جنینی و بعضی ابعاد حیات اشاره شده است:

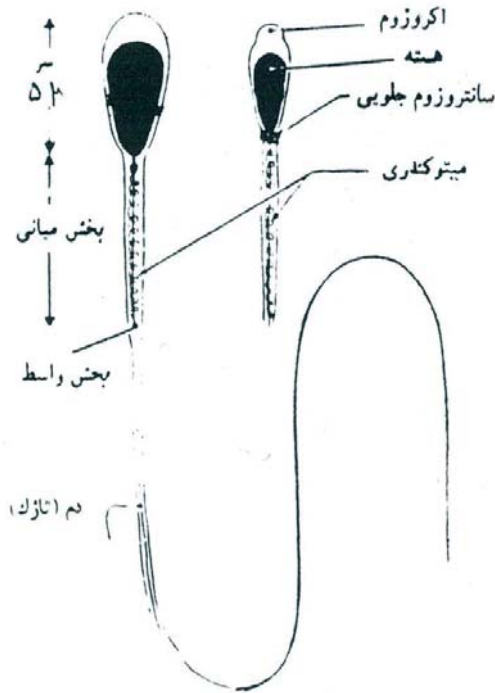
«و لقد خلقنا الإنسان من سلالة من طين، ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظماً فكسونا العظام لحماً ثم أنشأناه خلقاً آخر فتبارك الله أحسن الخالقين»؛ «و همانا آدمی را از گل خالص آفریدیم. سپس او را نطفه گردانیده و در جای استوار (رحم) قرار دادیم. آنگاه نطفه را علقه و علقه را مضغه گردانیدیم و باز مضغه را استخوان و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم و پس از آن خلقتی دیگر ایجاد نمودیم. آفرین بر قدرت بهترین آفریننده».

برای فهم آیات فوق، لازم است فعل و انفعالات حیاتی سلولهای جنسی مرد و زن و مراحل مختلف جنینی را بر اساس یافته‌های جنین‌شناسی، فیزیولوژی انسان و زیست‌شناسی عمومی بیان کنیم و مفاهیم علقه و مضغه را بر اساس تفسیر مفسران قرآن مجید مطرح سازیم.

### ۱. فعل و انفعالات حیاتی سلول جنسی مرد

نطفه جنسی مرد یا اسپرماتوزوئید، موجودی تک‌سلولی و دارای قسمتهای زیر است:

۱. سر؛ ۲. گردن؛ ۳. بدن یا بخش میانی؛ ۴. دم یا تاژک. (شکل شماره ۱)



سر، بیضی شکل، پهن و در نیمرخ گلابی شکل دیده می شود و در واقع، هسته سلول به شمار می آید و کلاهک نازکی به نام اکروزوم دارد که از دستگاه گلژی ساخته شده و به وسیله پرده سلول احاطه شده است.

گردن، قسمت باریک بین سر و بدن است که خود دارای یک سانتیول می باشد و به وسیله ۹ فیبریل از اطراف احاطه شده است. این رشته ها در بدن، دم و قطعه انتهایی هم امتداد دارند (مستقیمی، ۱۳۵۲: ۱۷، ۲۲-۳۴ و ۱۰۳-۱۰۶).

شکل شماره ۱- ساختار اسپرماتوزوئید

دم یا تاژک از رشته های محوری که مقدار فوق العاده کمی سیتوپلاسم دارد و به وسیله پرده ای احاطه شده است و در انتها بسیار نازک می شود. تاژک بخش حرکت دهنده اسپرماتوزوئید است. حرکت اسپرماتوزوئید به وسیله حرکت مارپیچی دم (تاژک) صورت می گیرد و سرعت حرکت آن در انسان به طور متوسط سه میلی متر در دقیقه است.

اسپرماتوزوئیدها در مایع منی غوطه ورنند. مقدار عادی منی که در هر مقاربت انزال می شود، به طور متوسط ۳/۵ سانتی متر مکعب می باشد و در هر سانتی متر مکعب به طور متوسط ۱۲۰ میلیون اسپرماتوزوئید وجود دارد. تعداد اسپرماتوزوئیدها در هر سانتی متر مکعب در افراد طبیعی بین ۳۵ تا ۲۰۰ میلیون تغییر می کند. یعنی به طور متوسط ۴۰۰ میلیون اسپرماتوزوئید در هر انزال خارج می شود و این تعداد

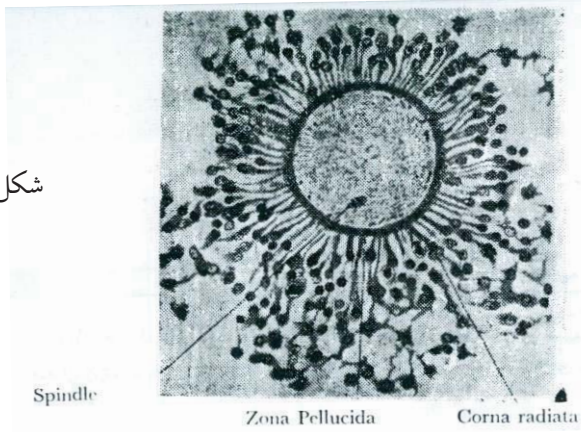
ممکن است از ۸۰۰ میلیون نیز متجاوز گردد. به دلایلی که هنوز کاملاً درک نشده است، منی باید محتوی تعداد عظیمی اسپرماتوزوئید باشد تا لاقل یکی از آنها بتواند تخمک را بارور سازد.

## ۲. فعل و انفعالات حیاتی تخم یا سلول جنسی زن

نطفه جنسی زن یا اوول، موجود تک سلولی است که تعداد آن را در طول زندگی زن بین ۴۰۰ هزار تا ۲۰ میلیون تخمین می زنند و از چهارده سالگی تا ۴۸ سالگی غیر از مواقع حاملگی (و گاهی دوران شیر دادن) جمعاً در حدود ۴۰۰ ماه و هر ماه چند تخم شروع به نمو می کند، ولی فقط یکی از آنها به نمو کامل می رسد و خارج می گردد و بقیه پژمرده می شوند.

تخم، سلولی است که در ابتدا از سایر سلولها متمایز است. قطر آن ابتدا  $\frac{1}{3}$  میلی متر است و به تدریج به علت افزایش سیتوپلاسم بزرگ می شود.

سلول تخم دارای هسته و سیتوپلاسم می باشد. غشای سلولی، پرده ویتلین نامیده می شود و در خارج آن ورقه ضخیم تری وجود دارد که از جنس گلیکوپروتئین است و از سلولهای تغذیه کننده به وجود آمده و در مجموع، منطقه پلوسید<sup>۱</sup> نامیده می شود. منطقه پلوسید نیز از دو سه طبقه سلول احاطه شده است که به طور شعاعی قرار دارند. این منطقه «corona radiate» نامیده می شود. (شکل شماره ۲)



شکل شماره ۲- سازمان سلولی اوول

Spindle

Zona Pellucida

Corna radiata

۱. Zona pellucida.

پس از لقاح سلول جنسی مرد و زن، بر اثر تقسیمات متوالی، اندامهای مختلف به وجود می‌آید. اندازه تقریبی قطر جنین انسان در پایان ماه نخست بارداری ۵ میلی‌متر و در آخر ماه دوم ۳۵ میلی‌متر است. از ماه سوم به بعد، سرعت نمو افزایش می‌یابد و طول جنین هر روز در حدود ۱/۵ میلی‌متر زیاد می‌شود، ولی نزدیک تولد، سرعت نمو کمی کاهش می‌یابد. زمان نمو جنینی از هنگام لقاح تا زمان زایمان در حدود ۲۶۶ روز می‌باشد (هیئت مؤلفان، ۱۳۶۲: ۲۴-۳۱).

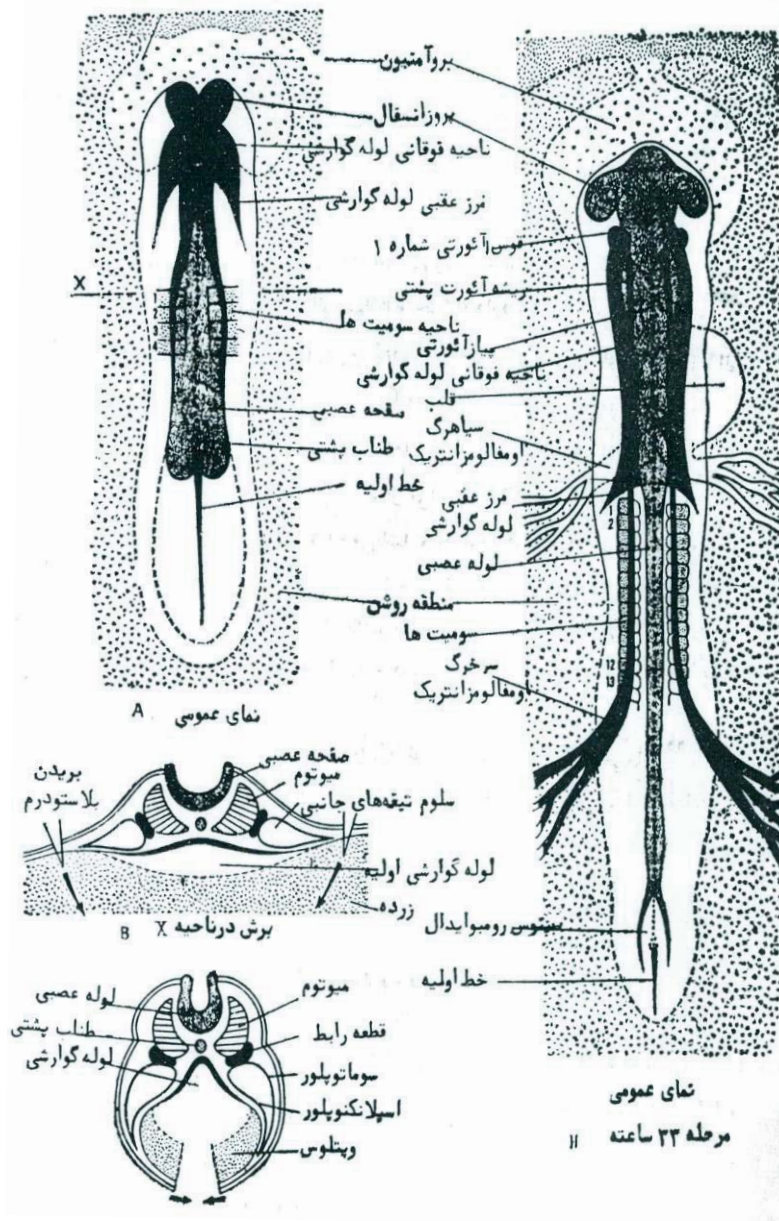
بررسیهای جنین‌شناسی نشان می‌دهد که ۳۰ تا ۶۰ ساعت پس از لقاح، نطفه انسان دارای دو سلول و ۶۰ تا ۷۲ ساعت بعد از لقاح دارای دوازده سلول می‌باشد و به تدریج تعداد سلولها اضافه می‌گردد و اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. این تحولات به صورت برنامه‌ای منظم در تمام انسانها پیش می‌رود و رشته‌های علمی تخصصی را به خود اختصاص می‌دهد.

در بررسیهای جنین‌شناسی که به کمک میکروسکوپ امکان‌پذیر شده‌اند، مشاهده می‌شود که جنین بین ساعتهای ۳۳ تا ۴۸ شروع زندگی خود، شباهت به زالو پیدا می‌کند و در این حال هنوز وضع ثابتی در رحم به خود نگرفته و مانند زالو سیلان و حرکت دارد (همان).

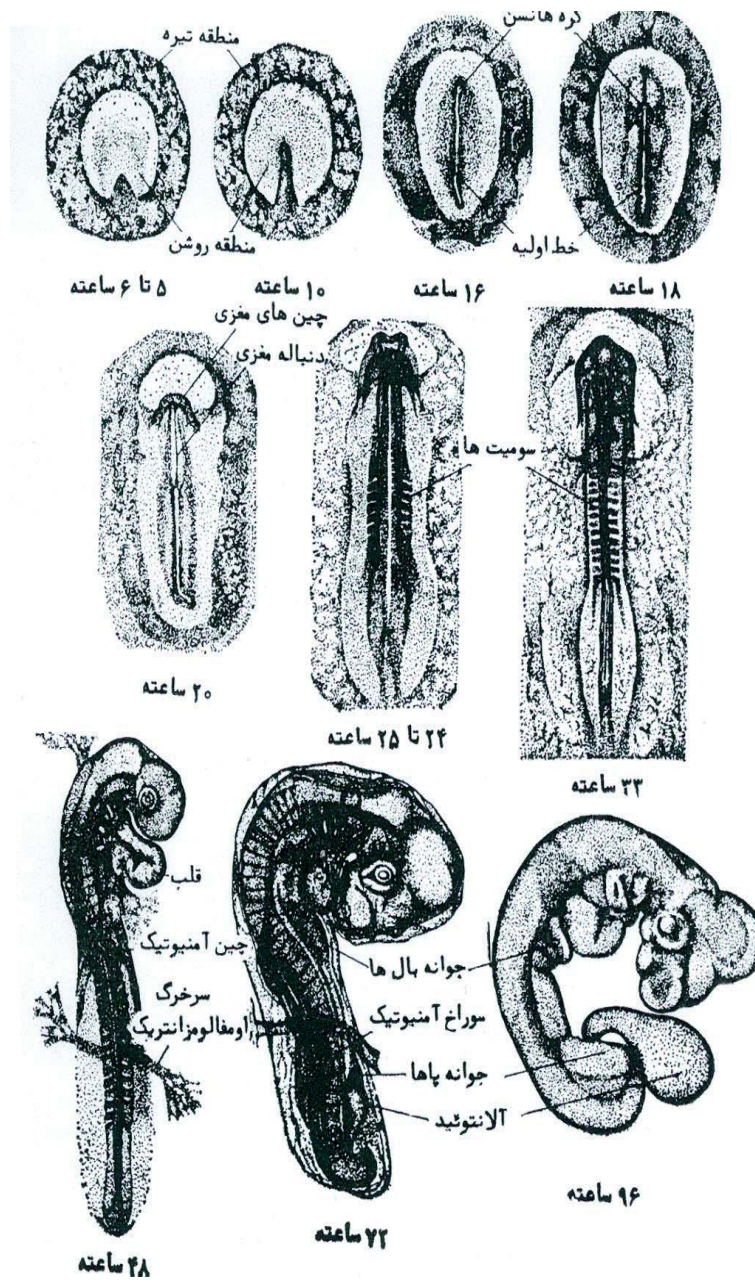
مفسران قرآن نیز علقه را به زالو معنا کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۳۱/۵-۳۲، ۳۶۱/۶). معنای لغوی آن نیز زالو می‌باشد (بندرریگی، ۱۳۶۱: ۳۷۵) (هم اسپرمتوزوئید و هم جنین در ابتدای زندگی تشبیه به زالو شده‌اند، چنانچه در شکل‌های شماره ۳ و ۴ مشاهده می‌گردد، این تشبیه کاملاً درست است و بیان آن در ۱۵ قرن قبل، نشانی از اعجاز علمی قرآن مجید است).

مضغه به معنای «ماده جویده‌شده» می‌باشد و مفسران قرآن آن را به «گوشت جویده‌شده» معنا می‌کنند؛ چه این واژه مشتق از ماده «مضغ» به معنای «جویدن» است. پس از ۹۶ ساعت که از زندگی جنینی می‌گذرد، در اثر تکثیر سلولی و تحولاتی که به وجود می‌آید، تضاریسی در وضع ظاهری جنین به وجود می‌آید و در نتیجه به ماده جویده‌شده شباهت پیدا می‌کند؛ زیرا در این حالت، شکل ظاهری جنین به گوشت جویده‌شده شباهت دارد و منظور این نیست که قطعه‌ای از گوشت

است. قیافه خارجی مضرّس جنین تا پیش از هفته نهم جنینی باقی می ماند.



شکل شماره ۳- شکل زالویی جنین در ابتدای رشد



شکل شماره ۴- شکل زالویی و مضرّس جنین در ابتدای رشد

سپس جوانه استخوانها به طور پراکنده به وجود می آید. جوانه دست و پا در هفته پنجم پدید می آید. در آخر هفته ششم مراکز غضروفی شدن تولید می شود و حدود استخوانها مشخص می گردد و هفته هفتم استخوانی شدن این مراکز شروع می شود. ترقوه، ابتدا پرده ای است که در آخر هفته پنجم در دو نقطه، شروع به استخوانی شدن می کند. استخوانهای بازو از هشت نقطه بین هفته چهارم و هفته هشتم شروع به جوانه زدن می کند و مفاصل در ماه سوم کم کم مشخص می گردد (مستقیمی، ۱۳۵۲: ۱۷، ۲۲-۳۴ و ۱۰۳-۱۰۶). عضلات از تبدیل مزودرم در هفته شش، هفت و هشت به وجود می آید.

در هفته چهارم لوله قلب به صورت برآمدگی جلب توجه می نماید. در هفته پنجم برآمدگی بطن از خارج دیده می شود. رشته های عصبی قلب را در هفته ششم می توان تمیز داد و به موازات آن سایر عروق به وجود می آید. ضربان قلب جنین بین ۴ تا ۴/۵ ماهگی شنیده می شود (همان).

لوله عصبی در ابتدای هفته چهارم مشخص می گردد و کم کم شروع به رشد می کند. شیارهای بین نیم کره ها بین ماه چهارم تا هفتم به وجود می آید (همان). در نهایت، ساختمان جنین در آخر چهار ماهگی کامل می شود (میرفخرایی، بی تا: ۵۷-۱۴۳). حرکات جنین معمولاً از ۴/۵ ماهگی شروع می شود. حداقل زمان لازم برای توقف در رحم که امکان زندگی مستقل و قدرت حیاتی را در او حفظ می نماید، ۱۸۰ روز است (همان).

همان طور که در بررسیهای جنین شناسی و سلولهای جنسی مرد و زن مشاهده شد و در آموزشهای اسلامی نیز مطرح شده است، سلولهای جنسی مرد و زن دارای حیات می باشند. ولی با وجود حیات، جنین قدرت زندگی مستقل و تعقل ندارد. در پایان چهار ماهگی دستگاههای بدنی جنین کامل می گردد و روح نباتی ابتدایی تکامل می یابد و قدرت حیات و امکانات تعقل به صورت بالقوه در آن به وجود می آید. بنا به آموزه های اسلامی، اگر جنین در پایان چهار ماهگی سقط شود، باید فرد سقط کننده، دیه انسان کامل را بپردازد. شنیده شدن صدای قلب جنین و شروع حرکات آن، در همین زمان می باشد.



امام سجاده علیه السلام برای وجود حیات در تمام مراحل رشد جنین این طور استدلال می‌نمایند:

در جنین از ابتدا همواره جان وجود دارد که از طریق نطفهٔ مرد و زن منتقل می‌گردد. اگر جاندار نمی‌بود، رشد و تغییراتی که در زندگی جنینی دیده می‌شود، امکان‌پذیر نبود (حسینی، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۴).

قبل از چهار ماهگی پدیدهٔ خاصی که ایشان به نام روح عقل و روح حیات<sup>۱</sup> تعبیر می‌نمایند، وجود ندارد و در زمان مذکور این کیفیت در او به وجود می‌آید. در حقیقت، از تبدیل حیات ابتدایی که جنبهٔ نباتی دارد، کیفیت والاتری که برای تعقل و زندگی مستقل آمادگی دارد، پدید می‌آید. پیدا شدن روح عقل (روح العقل) یا روح حیات (روح الحیاة) در چهار ماهگی، در آموزه‌های متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی و امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیهٔ فوق، آن را بیان نموده‌اند. اضافه می‌شود که پیدایش روح حیات و روح عقل، چیزی است که خداوند آن را کیفیتی متفاوت با اوضاع قبلی جنین معرفی می‌فرماید که در نتیجهٔ آن، جنین به صورت یک نفس و انسان کامل درمی‌آید و چنانچه در این مرحله، کسی باعث سقط او شود، باید دیهٔ انسان کامل را بپردازد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات ۱۲-۱۴ سورهٔ مؤمنون، دیهٔ سقط جنین را برای فردی به نام اباشیل بیان می‌فرماید. وی در نهایت می‌پرسد: «فإن وكزها فسقط الصبی لا یدری حیاً كان أو میتاً؟» اگر زن را بزند و در نتیجه بچه سقط شود و معلوم نشود که آیا زنده بوده است یا مرده، وضع چگونه است؟». امام علیه السلام چنین جواب می‌دهد: هیهات یا اباشیل! إذا بلغ أربعة أشهر فقد صارت فيه الحیاة وقد استوجب الدیة (عروسی حویزی، ۱۳۷۰: ۵۳۹/۳)؛ هیهات ای اباشیل! وقتی که به چهار ماه برسد، در آن، حیات به وجود می‌آید و موجب دیه می‌گردد.

۱. ... فإن طرحت و هی نسمة مخلقة له عظم و لحم و مرتب الجوارح قد نفخ فيه روح العقل فإنّ علیه دية كاملة... بروح غذاء الحیاة القديمة المنقولة فی أصلاب الرجال و أرحام النساء... (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۷: ۴۳/۴۳).

امام علی علیه السلام در تفسیر آیات فوق، دیه مربوط به سقط جنین در هر یک از مراحل را بیان می کند و می فرماید:

«فإذا نشأ فيه خلق آخر و هو الروح، فهو حينئذ نفس، ألف دينار كاملة (همان)؛  
وقتی خلقی دیگر که همان روح است، به وجود آید، یک نفس کامل می شود و  
دیه او یک هزار دینار کامل است.

در جای دیگر امام سجاده علیه السلام می فرماید:

و إن طرحته و هو نسمة مخلقة، له عظم و لحم مزيل الجوارح قد نفخ فيه روح  
العقل؛ فإن عليه دية كاملة (همان؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۴۳/۲۷۰)؛  
و اگر آن را در حالی که موجودی مخلقه و دارای استخوان و گوشت می باشد و  
اعضای او مشخص گردیده و در آن روح عقل دمیده شده است، سقط نمایی، دیه  
کامل باید پرداخت شود.

در این حال، مخاطب، موضوع را به صورت زیر ادامه می دهد:

«قلت له: أرأيت تحوُّله في بطنها إلى حال أبروح كان ذلك أو بغير روح؛ آیا به  
نظر شما تحول جنین در رحم زن به حالات مختلف با وجود روح انجام می شود و یا  
بدون آن؟».

امام علیه السلام پاسخ می دهد:

قال بروح عدا الحياة القديم المنقول في أصلاب الرجال و أرحام النساء و لولا أنه  
كان فيه روح عدا الحياة ما تحوّل عن حال بعد حال في الرحم (همان)؛  
با روحی که فاقد قدرت حیاتی است و از قبل در پشت مردان و رحم زنان (سلول  
جنسی مرد و زن) وجود داشته است. اگر این خاصیت حیاتی در آن نبود، تحوّل به  
حالات مختلف را در رحم زن پیدا نمی نمود.

در بیان احکام دیه در مراحل مختلف جنین، دستورالعمل زیر را از امام

صادق علیه السلام می بینیم:

دیه الجنین خمسة أجزاء: خمس للنفثة، عشرون ديناراً و للعلقة خمسان، أربعون ديناراً  
و للمضغة ثلاثة أخماس، ستون ديناراً و للعظم أربعة أخماس، ثمانون ديناراً و إذا تمّ  
الجنين كانت له مائة دينار؛ فإذا أنشئ فيه الروح، فديته ألف دينار أو عشرة آلاف  
درهم إن كان ذكراً و إن كان أنثى فخمسمائة دينار (حرّ عاملی، ۱۴۰۱: ۱۹/۱۶۹).

در بیان امام صادق علیه السلام عنوان «انشاء روح» به کار رفته است که دقیقاً همان مفهوم «و أنشأناه خلقاً آخر» (مؤمنون/ ۱۴) می باشد و تعریف دیگری برای آن نشده است. در مواردی که مفهوم «ایلاج روح» به کار رفته است، با توجه به قرائن، منظور «پیدایش روح العقل» می باشد.

در شرح لمعه دستور العمل پرداخت دیه جنین به صورت زیر مطرح شده است:  
 فی دية الجنین و هو الحمل فی بطن أمه و سمی به؛ لاستتاره فیہ من الاجتنان و هو السر، فهو بمعنى المفعول فی النطفة؛ إذا استقرت فی الرحم و استعدت للنشوء عشرون دیناراً، و یکفی فی ثبوت العشرین مجرد الإلقاء فی الرحم مع تحقق الاستقرار، و فی علقه و هی القطعة من الدم تحوّل إلیه النطفة أربعون دیناراً. و فی المضغة و هی القطعة من اللحم بقدر ما یمضغ، ستون دیناراً. و فی العظم أى ابتداء تخلقه من المضغة، ثمانون دیناراً و فی التام الخلقه قبل ولوج الروح فیہ مائة دینار ذکرأ کان الجنین أو أنثى.... و لو ولجته الروح فدية كاملة للذكر و نصف للأنثى (مکی عاملی، ۱۳۹۶: ۱۰/۲۸۸-۲۹۳).

در بعضی رساله های عملیه مانند رساله امام خمینی رحمته الله علیه و آیه الله سیستانی بحث دیه مطرح نشده و بعضی مراجع تقلید موضوع مورد بحث را این گونه مطرح می کنند:  
 اگر انسان کاری کند که زن حامله سقط کند، چنانچه چیزی که سقط شده نطفه باشد دیه اش بیست مثقال شرعی طلاست که هر مثقال آن هیجده نخود می باشد و اگر علقه یعنی خون بسته باشد، چهل مثقال و اگر مضغه یعنی پاره گوشت باشد، شصت مثقال و اگر استخوان شده باشد، هشتاد مثقال و اگر گوشت آورده، ولی هنوز روح در او دمیده نشده، صد مثقال و اگر روح در او دمیده شده، چنانچه پسر باشد دیه او هزار مثقال و اگر دختر باشد دیه او پانصد مثقال شرعی طلاست (گلپایگانی، ۱۳۶۲: ۴۸۲).

بحث فوق با توجه به طبقه بندی ابعاد روان (حیات) توسط امام علی علیه السلام تکمیل و بیشتر به ذهن نزدیک می شود:

مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! برخی از مردم عقیده دارند که بنده تا ایمان دارد، زنا نکند و سرقت ننماید و شراب ننوشد و ربا نخورد و خون محترم را نریزد. این عقیده بر من گران آمده و از آن دل‌تنگ شده‌ام؛ زیرا چنان بنده ای هم نماز مرا می خواند و مثل من دعا می کند، او از من زن

می گیرد و من از او زن می گیرم و سپس از یکدیگر ارث می بریم. با وجود این، برای گناه کوچکی که بدان آلوده شده، از ایمان خارج می شود؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست می گویی. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: و دلیلش هم کتاب خداست که خداوند تبارک و تعالی مردم را سه طبقه آفرید و در سه درجه قرار داد. این همان قول خداوند تبارک و تعالی در قرآن است که در سوره واقعه می فرماید: اصحاب میمنه، اصحاب مشممه و سابقون.

اما آنچه درباره سابقون فرموده، آنها پیغمبرانی هستند مرسل و غیر مرسل که خدا در آنها پنج روح قرار داده است: ۱. روح قدسی؛ ۲. روح ایمان؛ ۳. روح نیروزا؛ ۴. روح عامل شهوت؛ ۵. روح عامل حیات بدن.

به وسیله روح القدس بعثت آنها به پیغمبری مرسل و غیر مرسل انجام شد و نیز به وسیله آن، همه چیز را دانستند. با روح ایمان خدا را عبادت کردند و چیزی را شریک او نساختند و با روح نیروزا (روح القوه) با دشمن خود جنگیدند و به امر معاش خود پرداختند. با روح عامل شهوت (روح الشهوه) از طعام لذیذ و نزدیکی حلال با زنان جوان برخوردار گشتند و با روح بدن جنیدند و راه رفتند. این دسته آمرزیده اند و از گناهانشان (ترک اولی) چشم پوشی شده است. سپس فرمود:

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «اینانند رسولان که برخی را بر دیگر برتری دادیم؛ بعضی از آنها با خدا سخن گفتند و بعضی را چند درجه بالاتر بردیم و به عیسی بن مریم معجزات روشن دادیم، و او را با روح القدس تقویت کردیم» (بقره/ ۲۵۳). سپس درباره جماعت آنها (یعنی رسولان که کامل ترین مؤمنان اند) فرمود: و آنها را با روحی از خود کمک کرد؛ یعنی با آن روح، ارجمندشان داشت و بر دیگران برتری داد. این دسته نیز آمرزیده اند و از گناهان آنها چشم پوشی شده است (کنایه از اینکه گناه نمی کنند).

سپس اصحاب میمنه را یاد فرمود که آنها همان مؤمنان حقیقی اند که خدا در آنها چهار روح نهاده است (زیرا روح القدس مختص پیغمبران است). روح ایمان، روح نیروزا، روح عامل شهوت و روح عامل حیات بدن. بنده همواره در صدد تکمیل این ارواح است تا حالاتی برایش پیش آید.

آن مرد گفت: یا امیرالمؤمنین! آن حالات چیست؟ فرمود: اما نخستین، چنان است که خداوند تبارک و تعالی فرماید: «برخی از شما به پست ترین دوران عمر برسد تا پس از دانشی (که داشت) چیزی نداند» (نحل/ ۷۰). این کسی است که همه ارواحش

کاسته شده، ولی از دین خدا بیرون نرفته است؛ زیرا خدای پرورش دهنده او، وی را به پست‌ترین دوران عمرش رسانیده است. این چنین کسی وقت نماز را نفهمد و عبادت شب و روز را نتواند و نیز نتواند با مردم در صف (نماز جماعت) ایستد. این است کاهش روح ایمان و زیبایی هم برای صاحبش ندارد. برخی از آنها روح قوتش کاهش یابد که نتواند با دشمن بجنگد و نتواند طلب معاش کند.

برخی دیگر روح شهوتش کاسته شود که اگر زیباترین دختران آدم بر او بگذرد، به او رغبت نکند و به سویش برنخیزد و تنها روح بدن ماند که به وسیله آن بجنبند و راه رود تا ملک‌الموت بر سرش آید. پس این حالت خوب است؛ زیرا خداوند عز و جل با او چنین کرده است. همچنین در دوران نیرومندی و جوانی حالاتی برایش پیش آید که قصد گناه می‌کند و روح قوت هم تحریکش می‌کند و روح شهوت جلوه می‌دهد و روح نیروزا و جوانی و روح بدن او را می‌کشاند تا به آن گناهش می‌رساند و چون به آن رسید، ایمان از او گم شود و کناره گیرد و به سویش برنگردد تا توبه کند و چون توبه کرد، خدا به او توجه فرماید و اگر گناه را تکرار کرد، خدا او را به آتش دوزخ برد (کلینی، بی‌تا: ۳۸۷-۳۸۴/۳).

چنانچه مشاهده می‌شود علی ع ابعاد روان را به صورت زیر مطرح می‌نماید:

۱. روح البدن؛ ۲. روح القوه؛ ۳. روح الشهوه؛ ۴. روح الایمان؛ ۵. روح القدس.

۱. روح البدن: روح بدنی حرکت حیوان و انسان را تأمین می‌کند و آنها را زنده نگاه می‌دارد. این بُعد از حیات در نطفه مرد (اسپرماتوزوئید) و نطفه زن (اوول) وجود دارد و در نتیجه لقاح، یعنی در نطفه و تا آخرین مرحله حیات حتی در صورت از دست دادن قدرت شناخت و ارتباط، تداوم دارد. در این دوران، قلب می‌زند، تنفس وجود دارد و تمام اعمال حیاتی با درجاتی از اختلال و بیمارگون، ادامه دارد. امام علی ع ضمن بیان ابعاد روان (حیات) با ذکر مواردی که سایر ابعاد، دچار کاستی و ضعف می‌شوند، وجود آنها را بیان می‌دارد.

مثلاً اشاره می‌کند، در بعضی موارد، انسان به هنگام پیری به حدی می‌رسد که هیچ چیز نمی‌فهمد و وقت‌شناسی او دچار اختلال می‌شود و شب و روز را تشخیص نمی‌دهد. در چنین فردی تمام ابعاد روان دچار اختلال می‌گردد، ولی روح البدن

باقی است (همان؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۴).

۲. روح القوه یا روح نیروزا: این روح، نیرو و انرژی حیوان و انسان را تأمین می‌کند؛ در نتیجه، انسان می‌تواند با دشمن خود بجنگد و معاش خود را تأمین کند. روح نیروزا ممکن است در اثر بیماری دچار اختلال شود و در نتیجه انسان را از انجام کارهای روزمره باز دارد و قدرت دفاعی او را از بین ببرد.

۳. روح الشهوه یا روح عامل شهوت: این روح، تغذیه و امور جنسی حیوان و انسان را تأمین می‌نماید. امام علی علیه السلام اضافه می‌نماید که کاهش روح شهوت را در مواردی می‌توان مشاهده کرد که فرد تمایل جنسی خود را از دست می‌دهد و زیباترین دختران هم او را تحریک نمی‌کنند.

۴. روح الایمان یا روح ایمان: به وسیله این روح، انسان خداوند را عبادت می‌کند. در افرادی که به خداوند ایمان دارند و رفتار خود را با آموزشهای فطری توحیدی وفق می‌دهند، نیروی جدیدی به وجود می‌آید که در اثر شکوفایی فطرت و عقل فطری نضج یافته است و همین نیرو، امکان کنترل شهوت را فراهم می‌آورد. این نیرو در حال حاکمیت شهوت بر فطرت از بین می‌رود و در صورت جبران و توبه، دوباره باز می‌گردد و در غیر این صورت برای همیشه انسان را ترک می‌کند.

۵. روح القدس یا روح قدسی: در پیامبران الهی و انسانهایی که حتی یک لحظه از نظر شناختی، عاطفی و رفتاری از سیستم توحیدی خارج نشده‌اند، نیروی اختصاصی وجود دارد که روح قدسی نامیده می‌شود و به وسیله آن، حقایق جهان هستی برای آنها مکشوف می‌گردد.

### نتیجه گیری

کلمه «ولوح» و «ایلاج» از ماده «ولج» به معنای «دخول» است. در قاموس قرآن چنین آمده است: «ولج الشيء فی غیره: دخل». این کلمه در قرآن مجید به کار نرفته است، بلکه لغتی که در دو متن پیش گفته به کار رفته است که در مفهوم «انشاء» می‌باشد. مفهوم «انشاء» به معنای «پدید آوردن توأم با تربیت» می‌باشد و به طور کلی به گونه‌ای پدید آوردن» اطلاق می‌شود. منظور از ایلاج روح که در بعضی روایات

به کار رفته است، با توجه به قرائن (لزوم پرداخت یک هزار دینار در صورت سقط)، «روح العقل» است.

بر اساس واقعیات مطرح شده در این مقاله، می توان به این نتیجه رسید که روان در تمام مراحل جنینی وجود دارد و چنانچه امام سجاد علیه السلام می فرماید، در صورتی که جنین فاقد روح بود، از حالی به حال دیگر تحوّل نمی یافت.

در نطفه مرد (اسپرماتوزوئید) و نطفه زن (اوول) و مراحل ابتدایی جنینی تا ایجاد ضربان در قلب و رشد کامل مغز که به طور هم زمان و معمولاً در چهار ماهگی به وجود می آید، این نیرو به تنهایی وجود دارد. در این هنگام، نیرویی بالقوه برای سایر ابعاد روان، یعنی روح القوه، روح الشهوه و روح الایمان، به وجود می آید که امام سجاد علیه السلام از آن به روح العقل (روح عقل) تعبیر می کنند. در این حال، جنین با تکمیل شدن ساختمان بدنی اش، آمادگی زندگی مستقل و تعقل پیدا می کند و به همین علت، اگر در این مرحله سقط شود، دیه کامل دارد. به عبارت دیگر، تا این هنگام، امکانات جنین برای حیات مستقل و تعقل کامل نیست و در این مرحله کامل می گردد.

نکته مهم این است که در آیه ۱۴ سوره مؤمنون نیز خداوند می فرماید: ﴿فَأَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ یعنی (همان روان موجود در) خود جنین را به صورت پدیده ای دیگر (یعنی روح العقل یا روح الحیة) درمی آوریم. لازم است در کاربرد مفهوم فوق در نوشتجات مربوط به این بحث، تجدید نظر شود و به جای به کارگیری عبارت «ولوج روح» عنوان «ولوج روح العقل» به کار رود.

نکته دیگر این است که همان طور که ذکر شد، علقه و مضغه دو مرحله از مراحل جنینی هستند که مفهوم مخصوص به خود را دارند و علقه به معنای «خون بسته» و مضغه به معنای «پاره گوشت» نیست و لازم است در این مورد نیز تجدید نظر شود.

توصیه می شود، برای مشخص کردن مفهوم علقه، «شکل زالویی» و یا عین لغت «علقه» بدون ذکر «خون بسته» به عنوان معادل آن به کار رود.

در مورد «مضغه»، عین لغت «مضغه» و یا عبارت «شبهت به گوشت جویده شده» به کار رود و از به کارگیری «گوشت جویده شده» به عنوان توضیح آن، خودداری شود.

## کتاب‌شناسی

۱. بندریگی، محمد، فرهنگ منجد الطلاب، ۱۳۶۱ ش.
۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، المكتبة الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
۳. حسینی، سید ابوالقاسم، بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۴. همو، روان‌شناسی اسلامی برای دانشجویان، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۸۰ ش.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، انتشارات محمدی، ۱۳۶۲ ش.
۶. عروسی حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، چاپ افست، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ش.
۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲ ش.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، اسلامیه، بی تا.
۹. گلپایگانی، سید محمد رضا، توضیح المسائل، دار القرآن الکریم، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، لوح فشرده نور اللفاظ ۲.
۱۱. مستقیمی، جمال‌الدین، رویان‌شناسی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۲ ش.
۱۲. مکی عاملی، محمد بن جمال‌الدین، اللمعی الدمشقیه، تصحیح و تعلیق سید محمد کلانتر، قم، انتشارات و چاپخانه علمی قلم، ۱۳۹۶ ق.
۱۳. میرفخرائی مؤدب، فیزیولوژی و مکانیسم زایمان طبیعی، بی جا، شرکت چاپخانه فردوسی، بی تا.
۱۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۱۵. هیئت مؤلفان نشر دانشگاهی، زیست‌شناسی عمومی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.